

چند ساعت بادست فروشان بازار منتهی به حرم مطهر
که زمان متفاوتی را برای معامله انتخاب کرده اند

شب بیداران

فرمانی کیا - زمانی که کرکره خیلی از مغازه ها بعد از یک روز تلاش و کار بایین کشیده می شود، بعضی ها تازه شروع کارشان است. حتی اگر از وجود بازاری در ساعات پایانی یکروز خبر نداشته باشید، هیاهوی قبل از چهارراه دانش شمارا به سمتی می کشاند که شلوغ و پررفت و آمد است. بازاری در دو سمت خیابان دانش شرقی و غربی بایش از ۲۰۰ غرفه که هر شب در مسیر راه زائران برپا می شود و فاصله اش تا حرم خیلی طولانی نیست. چراغ های روشن و رفت و آمد آدم ها اصلا مشخص نمی کنند آخرین ساعت ها و لحظه های یکروز است. صدای داد و زن و پلاکارد دستش نشان می دهد بازار در همین چند قدمی و نزدیک است. مرد میان سالی در حاشیه خیابان ایستاده است و بلند تبلیغ می کند «بزرگترین بازار دست فروشان مشهد»؛ این لحن و نوع ادای آن اشتیاق خیلی ها را متل مایه دیدن و تماشای بازار زیاد می کند. در این بین برای خیلی ها هم که زائر و مسافرند و قصد خرید سوغات دارند، فرصتی مهیای می شود. صدای داد و زن هنوز هم بلند است. صاحب حجره ای که باید ۶ ساعت پشت سر هم بازار گرمی کند و مشتری جذب کند. حمید ترابی که ابایی از صحبت کردن ندارد و خیلی راحت حرف می زند، می گوید: «۶ ماه است که مشغول به کارم. ۲ عصر تا یک بامداد و شبی ۳۰ تا ۴۰ هزار تومان درآمد دارم». او موظف است فضای مجموعه را قبل از آمدن دست فروش ها آماده کند و به همین خاطر، ماشین های پارک شده را باید به مکانی دیگر هدایت کند. ترابی مدیر کارشناسی دار و دو سال ها قبل در دفتر رسمی از دواج و طلاق کار می کرده و بعد هم دستفروش شده است؛ حالا هم به اجبار اینجاست. از صاحب هر غرفه ۵۰۰ تومان می گیرد، چون کار دیگری پیدا نکرده است. می گوید: «این شغل شاید به نظر خیلی های ایده آل نباشد، اما بهتر از بیکاری است». هنوز دور نشده ایم که بالبخند و شوخی می گوید: «فکر کنید یک کارشناس مملکت، دادن شب بازار باشد». دوباره شروع به صدا زدن می کنند: «بزرگترین بازار دست فروشان مشهد».

